

چکیده

ازدواج امری است که بشر از ابتدای خلقتش به آن نیاز داشته و با ظهور ادیان مختلف و وجود احکام این امر مهم دارای شرایطی گشته است. یکی از آن شرایط خواستگاری مرد از زن است که گر چه عکس آن هم جایز است ولی آن در اسلام و سایر ملل رسم شده است خواستگاری مرد از زن و به طور کلی جلسه خواستگاری است. در جلسات خواستگاری معمولاً دختر و پسر با هم گفتگو می‌کنند که این گفتگو به طور معمول مستلزم نگاه دختر و پسر به همدیگر است. این نگاه به طور معمول و مجاز است، اما آنچه محل بحث است این است که آیا فراتر از نگاه حین گفتگو هم جایز است دختر و پسر به همدیگر و اعضای بدن همدیگر نگاه کنند؟ حدود این نگاه چیست؟ در این زمینه دیدگاه‌های مختلفی از سوی علما و فقهاء مطرح شده است، و حتی در رابطه با میزان نگاه زن و مرد نیز تفاوت قائل شده‌اند؛ به این صورت که مقداری که مرد می‌تواند به زن نگاه کند با مقداری که زن می‌تواند به مرد نگاه کند متفاوت است. در این پژوهش با مراجعه به منابع کتابخانه‌ای و با روش توصیفی-تحلیلی به بررسی این مسئله از نگاه فقها امامیه و روایات و به طور کلی نگاه اسلام خواهیم پرداخت.

واژگان کلیدی: ازدواج، خواستگاری، نگاه زن و مرد، دیدگاه فقها.

در قانون خلقت، مرد مظهر نیاز و طلب و خواستگاری و زن مظهر مطلوبیت و پاسخگویی آفریده شده است. این هم بهترین ضامن حیثیت و احترام زن و جبران کننده ضعف جسمانی او در مقابل نیرومندی جسمانی مرد است و هم بهترین عامل حفظ تعادل و توازن زندگی مشترک آنهاست.

این نوعی امتیاز طبیعی است که به زن داده شده و نوعی تکلیف طبیعی است که به دوش مرد گذاشته شده است. قوانینی که بشر وضع می‌کند و به عبارت دیگر تدابیر قانونی که به کار می‌برد، باید این امتیاز را برای زن و این تکلیف را برای مرد حفظ کند. قوانین مبنی بر یکسان بودن زن و مرد از لحاظ وظیفه و ادب خواستاری، بر زیان زن و منافع و حیثیت و احترام اوست و تعادل را به ظاهر به نفع مرد و در واقع به زیان هر دو بهم می‌زند.

اینکه از قدیم الایام مردان به عنوان خواستگار نزد زن می‌رفته‌اند و از آنها تقاضای همسری می‌کرده‌اند، از بزرگترین عوامل حفظ حیثیت و احترام زن بوده است. طبیعت، مرد را مظهر طلب و عشق و تقاضا آفریده است و زن را مظهر مطلوب بودن و معشوق بودن. طبیعت زن را گل و مرد را بلبل، زن را شمع و مرد را پروانه قرار داده است.

این یکی از تدابیر حکیمانه و شاهکارهای خلقت است که در غریزه مرد نیاز و طلب و در غریزه زن ناز و جلوه قرار داده است. ضعف جسمانی زن را در مقابل نیرومندی جسمانی مرد، با این وسیله جبران کرده است.

خلاف حیثیت و احترام زن است که به دنبال مرد بدود. برای مرد قابل تحمل است که از زنی خواستگاری کند و جواب رد بشنود و آنگاه از زن دیگری خواستگاری کند و جواب رد بشنود تا بالاخره زنی رضایت خود را به همسری با او اعلام کند، اما برای زن که می‌خواهد محبوب و معشوق و مورد پرستش باشد و از قلب مرد سردرآورد تا بر سراسر وجود او حکومت کند، قابل تحمل و موافق غریزه نیست که مردی را به همسری خود دعوت کند و جواب رد بشنود و سراغ مرد دیگری برود (مطهری، ۱۳۹۰، ص ۳۸-۴۰).

مفاهیم

۱. نکاح

در قاموس قرآن نکاح به معنای زن گرفتن است که همان عقد نکاح می‌باشد و به معنای مقاربت و جماع نیز آمده است (قرشی، ۱۳۵۲، ج ۷، ص ۱۰۷). نیز در لغت نامه دهخدا آمده است: «عقد زناشویی بستن و زن گرفتن» (دهخدا، ۱۳۷۷، ج ۱۴، ص ۲۲۶۸۵).

۲. خواستگاری

خواستگاری در لغت به معنای طلب، خواست، خواهش و طلب زناشویی است (معین، ۱۳۸۲، ج ۱، ص ۱۰۲۱). نیز بیان شده است که به معنی طلب عروس، به منزل دختر یا زنی رفتن (دهخدا، ۱۳۷۷، ج ۷، ص ۱۰۰۳۱).

فقها در کتابهای فقهی از نگاه مرد به زن و نگاه زن به مرد در هنگام خواستگاری نظرات مختلفی دارد که در اینجا به بررسی برخی از آنها در دو بخش نگاه مرد به زن و نگاه زن به مرد می‌پردازیم:

۱. نگاه مرد به زن

در کتاب جواهر الکلام (نجفی، ۱۴۰۱، ج ۲۹، ص ۶۳) اجماع را دلیل بر جواز نگاه مرد به زن می‌داند اما به دلیل حجیت نداشتن اجماع در فقه امامیه، مهم‌ترین و عمده‌ترین دلیل در روایات وجود دارد.

از جمله این روایات می‌توان به روایتی که کلینی در کافی نقل کرده اشاره نمود:

- «قلت لابی عبدالله علیه السلام الرجل یرید ان یتزوج المراه یتأملها و ینظر الی خلفها و الی وجهها، قال: نعم لایأس بان ینظر الرجل الی المراه اذا اراد ان یتزوجها ینظر الی خلفها و الی وجهها ؛ به امام صادق علیه السلام عرض کردم آیا (جایز است) مرد به زنی که می‌خواهد با او ازدواج کند نگاه کند و به مو و زیبایی‌های او نظر نماید؟ فرمودند: اشکال ندارد به شرطی که همراه با لذت نباشد» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۵، ص ۳۶۵).

- «سالت ابا جعفر علیه السلام عن الرجل یرید الرجل ان یتزوج المراه أینظر الیها ؟ قال: نعم، انما یشتریهما باعلی الثمن ؛ از امام باقر علیه السلام در مورد مردی سؤال کردم که می‌خواهد با زنی ازدواج کند، آیا جایز است به او نگاه کند؟ فرمود: بله چراکه او را به ثمن زیادی می‌ستانند» (همان).

- «قوله علیه السلام للمغیره بن شعبه و قد خطب امرأه لیتزوجها: لو نظرت الیها، فأنها أحرى أن یؤدم بینکما؛ از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل شده که به مغیره که زنی را خواستگاری کرده بود، فرمودند: اگر به او نگاه می‌کردی، سزاوارتر و نزدیکتر بود که بینتان سازگاری حاصل شود» (سیدرضی، ۱۴۲۲ق، ج ۱، ص ۱۱۹).

- «فی رجل ینظر الی محاسن امراه یرید أن یتزوجها قال: لا بأس أنها هو متام فان تقيض امر یکون؛ از علی علیه السلام درباره مردی که به محاسن زنی که می‌خواهد با او ازدواج کند پرسیدم، فرمودند: اشکالی ندارد؛ چراکه مرد طلب‌کننده و مشتری است» (طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۷، ص ۴۳۵).

با توجه به روایات مذکور و مانند آن، حکمت حکم جواز نگاه، هزینه زیادی است که مرد متحمل می‌شود، طالب بودن وی یا تاثیر نگاه در سازگاری و الفت بین زوجین، معرفی شده است.

امام خمینی (ره) در رابطه با نگاه مرد به زن در خواستگاری اینگونه می‌فرماید: «کسی که ازدواج با زنی را اراده کرده جایز است که به او نگاه کند، به شرطی که به قصد لذت بردن نباشد، اگرچه می‌داند که به جهت نگاه کردن به او، لذت از او قهرا پیدا می‌شود و به شرطی که احتمال بدهد که با نگاه کردن به او، بصیرت زیاده‌تری پیدا می‌کند و به شرطی که ازدواج آن زن بالفعل جایز باشد – نه آنکه مثل زن شوهردار و صاحب عده باشد – و به شرطی که احتمال پیدا شدن توافق بر ازدواج را بدهد – نه آنکه بداند که آن زن خواستگاری او را رد می‌کند – و احاط آن است که به صورت دو

کف دست و مو و نیکویی‌های او اکتفا نماید اگرچه اقوی آن است که به مچ‌ها بلکه بقیه جسد - غیر از عورت - تعدی شود و احوط آن است که از پشت لباس نازک باشد کما اینکه احوط - اگر اقوی نباشد - به موردی که قصد دارد یا خصوص زنی که نگاه می‌کند، ازدواج نماید اکتفا شود. پس این حکم (جواز نگاه) شامل موردی که به طور مطلق قصد ازدواج دارد و با این آزمایش و نگاه در صدد تعیین زوجه است نمی‌شود و تکرار نگاه کردن - در صورتی که اطلاع بر او در نگاه اول حاصل نشده باشد - جایز است» (خمینی، ۱۳۷۸، ج ۳، ص ۴۳۷).

در جامع الاحکام این سؤال مطرح می‌شود که «برای اینکه انسان جمال و زیبایی زن را ببیند در وقت ازدواج تا چند مرتبه می‌تواند عروس را ببیند و چه مقدار از بدن او را حق دارد ببیند؟ بنابر احتیاط واجب اکتفا به دیدن وجه و کفین و اگر با یک مرتبه نگاه مقصود حاصل نشود؛ یعنی اطلاع بر حال او پیدا نکند تکرار نظر مانع ندارد و شرط است در جواز نظر اینکه از حال او قبل از نظر، اطلاع نداشته باشد احتمال تزویج با او را بدهد و الا جایز نیست» (گلپایگانی، ۱۴۱۷ق، ج ۲، ص ۱۷۱).

محقق داماد نیز بیان می‌دارد که: «در باب نکاح بحث شده که زوج قبل از نکاح می‌تواند زوجه را ببیند» (محقق داماد، ۱۴۰۶، ج ۱، ص ۱۷۵).

ایروانی نیز در این خصوص بیان می‌دارد که: «نگاه مرد به زنی که می‌خواهد با او ازدواج کند، جایز است. به طور کلی این حالت مورد وفاق تعدادی از روایات مانند صحیح هاشم بن سالم، و حماد بن عثمان و حفص بن البختری از امام صادق (ع) می‌باشد: «لا بأس بأن ينظر الى وجهها و معاصها اذا اراد ان يتزوجها»؛ اشکالی ندارد مرد به زنی که می‌خواهد با او ازدواج کند به صورت و جای دستبند او نگاه کند و همچنین موثقه غیاث بن ابراهیم از جعفر، که او از پدرش و پدرش هم از امام علی (ع) نقل می‌کند: «الرجل ينظر الى محاسن امرأة يريد أن يتزوجها قال: لا بأس انما هو متام فإن يقض امر يكون»؛ مردی به محاسن و زینت زنی که می‌خواهد با او ازدواج کند نگاه می‌کند، امام فرمود: اشکالی ندارد، او طالب است و اگر این امر تمام شود با او ازدواج می‌کند.

برخی علماء معتقدند جایز است مرد به تمام بدن زن، به جز عورت او نگاه کند و برای اثبات آن به اطلاق بعضی از روایات، مانند صحیح محمد بن مسلم تمسک کرده‌اند: «سألت أبا جعفر (ع) عن الرجل يريد أن يتزوج المرأة ينظر إليها؟ قال نعم، انما يشترها بأعلى الثمن؛ از امام باقر (ع) سؤال کردم از مردی که می‌خواهد با زنی ازدواج کند، آیا می‌تواند به او نگاه کند؟ امام فرمود: بله، چون بالاترین ثمن را در برابر او می‌دهد».

عورت از موارد جواز نگاه استثناء شده است؛ زیرا تسالم و اتفاق نظر وجود دارد که نگاه به عورت جایز نیست. خلاصه اینکه مرد می‌تواند به تمام بدن زن به جز عورت او نگاه کند که دلیل آن اطلاق بعضی از روایات است (ایروانی، ۱۳۹۵، ج ۳، ص ۵۹).

در این‌که مرد در زمان خواستگاری به چه قسمتی از اعضای بدن زن می‌تواند نگاه کند، اختلاف وجود دارد. برخی از فقها تنها وجه و کفین را مجاز دانسته‌اند، البته تکرار و تأمل را نیز جایز می‌شمارند (مفید، ۱۴۱۳ق، ص ۵۲۰).
برخی دیگر آن را به بیش از وجه و کفین همچون نگاه به مو و محاسن او نشست و برخاست او توسعه داده‌اند (صدوق، ۱۴۱۳ق، ج ۳، ص ۴۱۲).
برخی بدون قید (حائل) نگاه به تمام بدن (غیر از عورتین) را جایز شمرده‌اند (بحرانی، ۱۴۰۵ق، ج ۲۳، ص ۴۶). البته صاحب عروه این قول را خلاف احتیاط دانسته است (خمینی، ۱۳۷۸، ج ۲، ص ۲۴۵).
امام خمینی (ره) نیز نگاه از روی پارچه نازک را مطابق احتیاط دانسته است.

۱. نگاه زن به مرد

از نظر عده‌ای از فقها علت (گران بودن ثمن و هزینه های ازدواج) و (طالب و مشتری بودن) در زن و مرد یکسان است و همان‌طور که مرد، زن را به گران‌ترین ثمن می‌ستاند، زن نیز با گران‌ترین ثمن ازدواج با مرد را می‌پذیرد. بلکه نسبت به زن باید علت را به طریق اولی جاری دانست؛ چراکه مرد تنها اموالش (همچون مهریه) را در قبال ازدواج با زن اعطاء می‌کند، اما زن بضع و استمتاعش را در این بین بذل می‌نماید و برتری ارزشی بضع بر مال پرواضح است (کرکی، ۱۴۱۴ق، ج ۱۲، ص ۲۹).

وجه دیگر برای اولیت، اختصاص حق طلاق به دست مرد است، در حالی که زن چنین حقی ندارد. پس زن باید با نگاه و دقت در انتخاب خود، خطای در انتخاب را کاهش داده و از طلاق احتمالی آینده پیشگیری نماید (انصاری، ۱۴۱۵ق، ص ۴۳).

روایت «قوله للمغیره بن شعبه و قد خطب امرأه لیتزوجها: لو نظرت الیها؛ فانه احرى ان یؤدم بینکما» (سیدرضی، ۱۴۲۲ق، ج ۱، ص ۱۲۰)؛ (ان یؤدم بینکما) روشن است که دیده شدن مرد توسط زن نیز همچون عکس آن، در توافق و سازگاری بیشتر در زندگی مشترک تأثیر به سزایی دارد. پس علت فوق در هر دو نفر مشترک است. این روایت مورد استناد محقق کرکی و شیخ انصاری نیست و اشکالات این ادله بسیار واضح بوده و مورد قبول نمی‌باشد، برای رسیدن به جواب نهایی می‌توان دیدگاه آقای ایروانی را ذکر نمود: «شیخ انصاری نظر جواز را اختیار کرده است و می‌فرماید همان‌طور که برای مرد جایز است به بدن زنی که می‌خواهد با او ازدواج کند نگاه بکند، چون بالاترین ثمن را به او می‌دهد، برای زن هم جایز است به بدن مرد نگاه بکند؛ زیرا او هم بالاترین ثمن را به مرد عطا می‌کند؛ خصوصاً که مرد می‌تواند از دست زن به وسیله طلاق خود را نجات دهد، ولی برای زن راه نجاتی نیست.
با توجه به دیدگاه‌های بالا، وجه مشترک تمام دیدگاه‌ها را می‌توان جواز نگاه مکرر و با تأمل به وجه و کفین برشمرد، در حالی که اکثر ایشان همین مقدار را نیز نسبت به نگاه زن به مرد جایز نمی‌دانند.

دلیل شیخ انصاری مقایسه بین علت جواز نگاه مرد به زن است و معتقد است علت جواز نگاه مرد به زن دادن بالاترین ثمن است، پس اگر علت حکم، دادن بالاترین ثمن است، برای زن هم جایز است که به بدن مرد نگاه کند؛ زیرا او هم بالاترین مثن را پرداخت می‌کند. بخصوص زمانی که برای مرد راه نجات با طلاق دادن وجود دارد. نظر ایروانی این است که اشکالی که بر این قول وارد شده این است که دادن بالاترین مثن فقط برای درک ثمنی است که مهریه نام دارد، نه خود خواستگار؛ زیرا این خواستگار نیست که در مقابل مال مبذول (مثن) قرار گرفته است؛ یعنی مرد مالی را که به عنوان مهریه به زن می‌دهد، این مهریه ثمن است و زن فقط حق دارد ثمن را ببیند. به عبارت دیگر ثمن مهریه است و مثن خود زن است و مرد می‌تواند مثن (زن) را ببیند و به آن علم پیدا کند و زن هم مثن (مهریه) را ببیند و به آن علم پیدا کند (ایروانی، ۱۳۹۵، ج ۳، ص ۶۰).

نتیجه گیری

در رابطه با نگاه مرد به زن در خواستگاری، طبق نظرات بیان شده فقها که بر اساس روایات وارده می‌باشد، مرد می‌تواند به زنی که خواهان ازدواج با او است نگاه کند و میزان این نگاه صورت و دو کف دست است. اما برای نگاه زن به مرد به دلیل اینکه زن در مقابل مهریه خود را در اختیار مرد قرار می‌دهد و با توجه به این که در زمینه نگاه زن به مرد روایتی هم نداریم باید گفت زن تنها می‌تواند به مهریه نگاه کند و نمی‌تواند به مرد نگاه کند.

۱. قرآن کریم، ترجمه آیت الله مکارم شیرازی.
۲. انصاری، مرتضی (۱۴۱۵ق)، کتاب النکاح، قم: کنگره جهانی بزرگداشت شیخ انصاری.
۳. ایروانی، باقر (۱۳۹۵)، دروس التمهیدیه فی الفقه الاستدلالی، ترجمه حسن بیت جادر، [بی‌جا]، نصابیح.
۴. بحرانی، یوسف (۱۴۰۵ق)، الحدائق الناضره فی احکام العترة الطاهره، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۵. سیدرضی، محمد بن حسین (۱۴۲۲ق)، المجازات النبویه، قم: دارالحديث.
۶. خمینی، روح الله (۱۳۷۸)، تحریر الوسيله، ترجمه علی اسلامی، قم: انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۷. صدوق، محمد بن علی ابن بابویه (۱۴۱۳ق)، من لایحضره فقیه، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۸. طوسی، محمد بن الحسن (۱۴۰۷ق)، تهذیب الاحکام، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۹. کرکی، علی بن حسین (۱۴۱۴ق)، جامع المقاصد فی شرح القواعد، قم: مؤسسه آل البيت.
۱۰. کلینی، محمد یعقوب (۱۴۰۷ق)، الکافی، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۱۱. گلپایگانی، سید محمد رضا (۱۴۱۷ق)، جامع الاحکام، قم: انتشارات حضرت معصومه (س).
۱۲. مطهری، مرتضی (۱۳۹۰)، نظام حقوق زن در اسلام، تهران: صدرا.
۱۳. مفید، محمدبن محمد نعمان (۱۴۱۳ق)، المقنعه، قم: کنگره جهانی هزاره شیخ مفید.
۱۴. نجفی، حسن (۱۴۰۴ق)، جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام، بیروت: دار إحياء التراث العربی.
۱۵. محقق داماد، سید مصطفی (۱۴۰۶ق)، قواعد فقه، تهران: مرکز نشر علوم اسلامی.